

# Developing an Early Academic Ability Model based on Parenting Styles and Attachment Styles based on the Mediating Role of Executive Functions and the Role of Gender Adjustment in Preschool Children

## ARTICLE INFO

*Article Type*  
Research Article

### Authors

Samane Dadvar<sup>1</sup>  
Zohre Sadeghi Afjeh<sup>2\*</sup>  
Roya Kochak Entezar<sup>3</sup>

### How to cite this article

Samane Dadvar, Zohre Sadeghi Afjeh, Roya Kochak Entezar, Developing an Early Academic Ability Model based on Parenting Styles and Attachment Styles based on the Mediating Role of Executive Functions and the Role of Gender Adjustment in Preschool Children, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2021:5: 176-193.

1. PhD Student, Department of Educational Orientation Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

\* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: zsadeghi540@yahoo.com

*Article History*

Received: 2021/09/28

Accepted: 2021/12/08

## ABSTRACT

**Purpose:** The aim of this study was to develop an early academic ability model based on parenting styles and attachment with the mediating role of executive functions and the role of gender adjustment in preschool children.

**Materials and Methods:** The research method is cross-sectional correlation. The statistical population of this study consisted of all mothers and preschool children of boys and girls in Yazd in 1398, from which 700 people (350 girls and 350 boys) were selected by multi-stage cluster sampling. In this study, the tools of early academic ability, children's attachment, parenting styles, and for executive functions, the Wisconsin card classification test were used, all of which had acceptable validity and reliability. SPSS-V23 and Lisrel-V8.8 software were used to analyze the data. Structural equation modeling was also used to answer the research hypotheses.

**Findings:** The research findings showed that the model has a good fit. The results showed that the early academic ability model is based on parenting styles and attachment styles in preschool children. The results showed that the early academic ability model is appropriate based on parenting styles and attachment styles based on the mediating role of executive functions in preschool children (boys and girls).

**Conclusion:** The results also showed that gender has a moderating role. Therefore, paying attention to the mentioned variables in designing more appropriate therapies will help researchers and therapists in preschool children.

**Keywords:** Academic Ability, Parenting Styles, Attachment, Executive Functions.

## تدوین مدل توانایی تحصیلی زود هنگام بر اساس سبک های فرزندپروری و سبک های دلبستگی با تکیه بر نقش میانجی گری کارکردهای اجرایی و نقش تعدیل کنندگی جنسیت در کودکان پیش دبستانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۶  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷  
\*نویسنده مسئول: zsadeghi540@yahoo.com

### مقدمه

عملکرد تحصیلی به عنوان یکی از مهمترین دغدغه های بشری، شاخصی برای موفقیت افراد در نظر گرفته می شود (۱). بهبود عملکرد تحصیلی می تواند در مرتفع نمودن بسیاری از مشکلات جوامع نقش داشته و عامل مهمی برای توسعه و رشد ملت ها باشد. موفقیت آموزشی و پیشرفت در مقاطع تحصیلی باعث می شود که افراد بتوانند با شکل دهی و سازمان دهی زندگی خود فرصت های شغلی بیشتر و در نتیجه جایگاه اجتماعی بهتری را به دست آورند (۲). از سوی دیگر افرادی که به لحاظ تحصیلی موفق هستند عزت نفس بالاتری داشته، سطوح پایین افسردگی و اضطراب را نشان می دهند. بعلاوه مطالعات گسترده ای نشان می دهد که موفقیت تحصیلی می تواند با کاهش آسیب های اجتماعی و بهبود رفتارهای مرتبط با سلامتی (۳) همراه باشد. نیاز توجه به عوامل زمینه ای باعث شده است که مطالعات اخیر توجه خود را از عملکرد تحصیلی کودکان در مقاطع دبستانی به مفاهیمی معطوف سازد که می توانند عملکرد بعدی دانش آموزان را پیش بینی نمایند. یکی از این مفاهیم که با توانایی های یادگیری دانش آموزان در آینده مرتبط است و می تواند به عنوان یک مساله مهم برای پیشرفت تحصیلی در آینده فرد مدنظر قرار گیرد توانایی های زود هنگام تحصیلی است (۴). منظور از توانایی های تحصیلی زود هنگام<sup>۱</sup> مهارتهای شناختی اولیه در کودک می باشد که به عنوان پایه ای برای یادگیری بعدی کودک در مدرسه به کار می رود. به عنوان مثال مهارت های شناختی اولیه نظیر زبان شفاهی و توانایی های مفهومی برای تسلط بر خواندن و ریاضیات و یادگیری آن اهمیت بسیاری دارند (۵). به اعتقاد رابری<sup>۲</sup> و همکاران مهارت های تحصیلی اولیه دربرگیرنده مهارت های خواندن و نوشتن (از قبیل توانایی تشخیص حروف و آگاهی واج شناختی) و مهارت های حساب کردن (از قبیل آگاهی از اعداد و فهمیدن نظم اعداد) می باشد (۶). بررسی مهارت های تحصیلی اولیه و رابطه آن با میزان موفقیت تحصیلی سال های بعد نشان می دهد که این مهارت ها می توانند در آینده تحصیلی نقش مهمی داشته باشند (۷).

با توجه به آنچه گفته شد می توان گفت توانایی های تحصیلی اولیه متغیر مهمی برای یادگیری و پیشرفت فرد در آینده بوده و بنابراین باید به دنبال عوامل تاثیر گذار بر آن باشیم. با توجه به آنکه توانایی های تحصیلی اولیه قبل از مهارت های تحصیلی بعدی قرار گرفته و بیش از هر مولفه آموزشی دیگری زیربنایی می باشد بنابراین باید به دنبال مولفه ها و متغیرهای تاثیر گذار زمینه ای و عمیق تر باشیم (۴). بر اساس نظام بوم شناختی برون فن برنر نظام خانواده به عنوان یک کل می تواند بر اساس سبک های تعاملی والدین با فرزندان جنبه های شناختی فرزندان را متاثر سازد (۸). بر اساس مطالعات

سمانه داور<sup>۱</sup>  
دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی گرایش تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

زهرا صادقی افجه<sup>۲\*</sup>  
استادیار، گروه روانشناسی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران (نویسنده مسئول).

رویا کوچک انتظار<sup>۳</sup>  
استادیار، گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

**هدف:** این پژوهش با هدف، تدوین مدل توانایی تحصیلی زود هنگام بر اساس سبک های فرزندپروری و دلبستگی با نقش واسطه ای کارکردهای اجرایی و نقش تعدیل کنندگی جنسیت در کودکان پیش دبستانی انجام شد.

**مواد و روش ها:** روش پژوهش مقطعی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه مادران و کودکان پیش دبستانی دختر و پسر شهر یزد در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند، که از میان آن ها، تعداد ۷۰۰ نفر (۳۵۰ دختر و ۳۵۰ پسر) با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. در این پژوهش از ابزارهای توانایی تحصیلی زود هنگام، دلبستگی کودکان، سبک های فرزندپروری، و برای کارکردهای اجرایی از آزمون دسته بندی کارت های ویسکانسین استفاده شد که همگی از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار بودند. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS 23 و Lisrel-V8.8 استفاده گردید. همچنین به منظور پاسخگویی به فرضیه های پژوهش از مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شد.

**یافته ها:** یافته های پژوهش نشان داد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است. نتایج نشان داد که مدل توانایی تحصیلی زود هنگام بر اساس سبک های فرزندپروری و سبک های دلبستگی با تکیه بر نقش میانجی گری کارکردهای اجرایی در کودکان (دختر و پسر) پیش دبستانی دارای برازش است.

**نتیجه گیری:** همچنین نتایج نشان داد که جنسیت نقش تعدیل کنندگی دارد. بنابراین توجه به متغیرهای مذکور در طراحی درمان های مناسب تر به پژوهشگران و درمانگران در کودکان پیش دبستانی یاری می رساند.

**واژگان کلیدی:** توانایی تحصیلی، سبک های فرزندپروری، دلبستگی، کارکردهای اجرایی.

<sup>۱</sup> - Ruberry

<sup>۱</sup> - children's early academic ability

می تواند به عنوان عامل های زیربنایی برای مهارت های تحصیلی اولیه کودکان باشد. گفته های اخیر با بسیاری از مبانی نظری در این راستا مطابقت دارد. بر اساس نظریه دلبستگی و همچنین نظریه ایمنی هیجانی کامینگز و دیویس می توان گفت ارزیابی ایمن، مثبت و پایدار از خانواده می تواند مانع آسیب بوده و در نتیجه سازوکاری را برای تبیین پیشرفت تحصیلی کودکان که متأثر از جنبه های شناختی و هیجانی است فراهم سازد. نظریه یادگیری جانشینی و نظریه بافتی- شناختی<sup>۱</sup> نشان از آن دارند که خانواده تاثیر عمده ای بر مشکلات یادگیری در آینده دارد. نظریه یادگیری جانشینی نشان می دهد که بعضاً تعارضات و مسائل خانواده از طریق مشاهده، آموخته شده و باعث مشکلات تحصیلی کودکان می گردد. علاوه بر نظریه های یاد شده نظریه بافتی- شناختی<sup>۲</sup> گریچ و فینچام<sup>۳</sup> نیز نشان می دهد که چگونه تفسیر و فهم تعارض و مشکلات خانوادگی می تواند فرایندهای شناختی کودکان را پیش بینی کند. دو نظریه پرداز مشهور به نام گی روشه<sup>۴</sup> و گیدنز<sup>۵</sup> نیز شکل ارتباط والدین در خانواده مبدا را به عنوان الگوی مشخص بر روند شکل گیری فرایندهای شناختی فرزندان دانسته و آن را بر کارکردهای اجتماعی آن ها موثر می دانند.

بررسی نظریات یاد شده به ویژه نظریه نظام های بوم شناختی و نظریه نظام های خانواده نشان می دهد که دو مسئله مهم در خانواده، یعنی سبک های فرزندپروری و دلبستگی، می تواند بر توانایی های تحصیلی اولیه کودکان تاثیر بسزایی داشته باشد. از سوی دیگر یک راه برای درک بهتر روابط بین رفتارهای والدین و توانایی های تحصیلی کودکان این است که تمرکز تحقیق را بر سایر توانایی های شناختی بنیادی که با توانایی های علمی هر دو دانش آموز و رفتار والدین مرتبط است، گسترش دهیم. در همین راستا علاقه پژوهش در رابطه بین عملکرد اجرایی کودکان<sup>۶</sup> (EF) و توانایی های تحصیلی در سال های اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته است. شواهد قابل توجهی نشان می دهد که بین اندازه های مختلف کارکرد اجرایی و آزمون های عینی ریاضیات و سواد آموزی در دوران کودکی اولیه و متوسطه رابطه وجود دارد (۱۹). کارکرد های اجرایی سهم منحصر به فرد را در توانایی های علمی و فراتر از آن در توانایی زبان (۲۰) و یا توانایی شناختی عمومی دارند (۲۱). به نظر می رسد فرایند عملیاتی که باعث می شود درک روابط با والدین و رشد توانایی های بالقوه کودکان برای یادگیری بهتر فراهم گردد مفهوم کارکردهای اجرایی باشد (۲۲). شواهد حاکی از آن است که عملکرد اجرایی در کودکانی که در دوران اولیه زندگی شان محرومیت هایی را تجربه می نمایند ضعیف است (۲۳). در همین راستا هاستینار<sup>۷</sup> در مطالعه ای کودکانی که فقدان رابطه با والدین داشتند را به لحاظ عملکرد اجرایی بررسی نموده و نشان داده اند که این کودکان به دلیل داشتن محرومیت های اولیه و نداشتن خانواده

سبک های والدینی در توسعه مهارت های شناختی تأثیرگذار بوده و شیوه های والدینی نظیر نظارت و حمایت می تواند توانایی های کودک را تحت تاثیر قرار دهد (۹). در همین راستا مطالعات نشان می دهد که رفتار و ویژگی های والدین در برخورد با مسائل فرزندان می تواند به استراتژی های متفاوتی منجر شود که این استراتژی ها می تواند فرایند تفکر کودک و نحوه تعبیر و تفسیر آن را تحت تاثیر قرار دهد (۱۰). بر همین اساس چنانچه خانواده دچار مشکلات روانشناختی عمده باشد به دلیل از هم پاشیدگی نظام خانواده و وجود ارتباط های معیوب و مهمم، مشکلات عمده ای برای افراد به بار خواهد آورد (۱۱). بامریند سبک فرزندپروری را به عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می کند که به سبک های دیکتاتوری، مقتدرانه و سهل گیرانه تقسیم می گردد (۱۲). سبک فرزندپروری دیکتاتوری با پیامدهای عملکرد تحصیلی پایین تر در ارتباط است (۱۳). از سوی دیگر سبک فرزندپروری مقتدرانه با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بیشتر، اتکا به خود بالاتر، کج رفتاری کمتر و روابط بهتر با همتایان رابطه دارد (۱۴) و در نهایت سبک فرزندپروری سهل گیرانه نیز به دلیل فقدان نظارت و ویژگی اهمال کارانه والدین با کاهش عملکرد تحصیلی و مهارت های شناختی ارتباط دارد (۱۵).

همچنین سبک فرزندپروری می تواند سبک های دلبستگی فرد را تحت تاثیر قرار داده و در نتیجه آثار و پیامدهایی برای رشد کودک داشته باشد. بسیاری از نظریه ها نیز از این مسئله حمایت نموده و نشان می دهد که اولین سطح ارتباطی می تواند در قالب سبک های دلبستگی نقش تعیین کننده ای در مهارت های اولیه کودکان داشته باشد. سبک دلبستگی، الگویی تعمیم یافته از پاسخ به روابط صمیمانه فرد است که تصور می شود تجربیات قبلی روابط صمیمانه را منعکس می کند و در طول زمان ثبات نسبی دارد. بر اساس نظریه بالبی ماهیت رابطه صمیمی اولیه (مادر- نوزاد) نحوه تعامل فرد با محیط را در سر تا سر زندگی تعیین می کند. مدل جانسون و ویفن نیز بر این تاکید دارد که الگوهای دلبستگی اولیه می تواند به عنوان ساختارهای شناختی پنهانی، موثر در نظر گرفته شود که تأثیر عمده ای بر زندگی شخصی فرد به جای می گذارد. سبک های دلبستگی بر روی تفکر، احساس و خاطرات افراد بزرگسال اثر گذاشته و بعنوان یکی از عوامل شناخته می شود که در تشخیص آسیب شناسی روانی، چشم اندازهای نوینی را منعکس ساخته اند (۱۶). بعضی از پژوهشگران اهمیت کنش سازمانی سیستم دلبستگی را در یکپارچه کردن مولفه های عاطفی، انگیزشی، شناختی و رفتاری مورد تاکید قرار داده اند (۱۷). همچنین، شواهد علمی حاکی از آن است بین دلبستگی با فرایندهای شناختی و مهارت های تحصیلی رابطه وجود دارد (۱۸).

همانطور که گفته شد سبک های دلبستگی و شیوه های فرزندپروری

<sup>۵</sup> - Giddens

<sup>۶</sup> - executive function in children

<sup>۷</sup> - Hostinar

<sup>۱</sup> - cognitive contextual

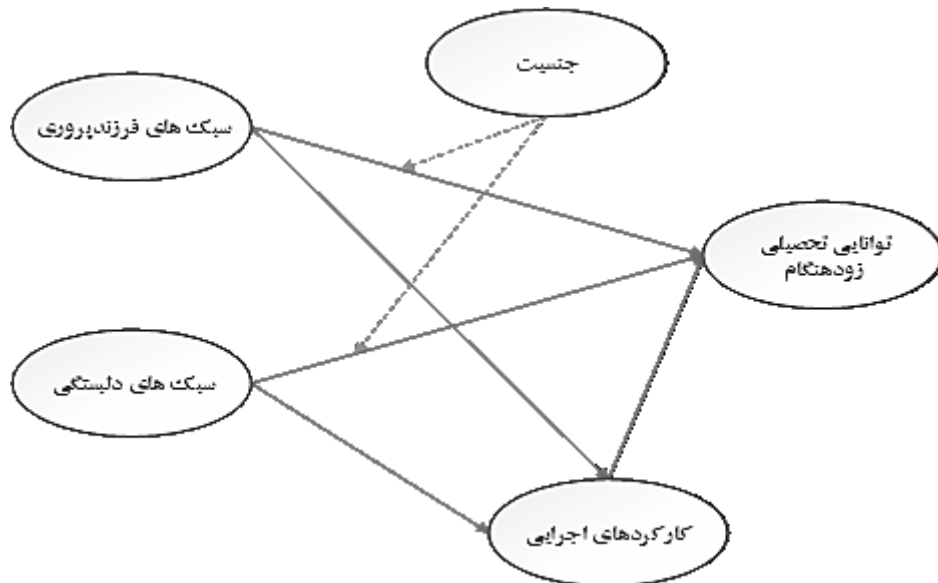
<sup>۲</sup> - cognitive contextual

<sup>۳</sup> - Grych, Fincham

<sup>۴</sup> - Guy Rocher

محیط خانواده و روابط با والدین قرار گیرند. در سمت دیگری از مدل می توان گفت بر اساس نظریه های کارکرد اجرایی، کارکرد اجرایی مقدم بر متغیرهای تحصیلی از جمله مهارت ها و عملکرد تحصیلی رخ می دهند. به همین دلیل است که پژوهش های بسیاری عملکرد اجرایی را به عنوان متغیر واسطه ای قبل از توانایی های تحصیلی در ارتباط با ویژگی های محیطی و ارتباط با والدین در نظر می گیرند. سایر مدل های واسطه نگر نیز به طور مشخص کارکرد اجرایی را تعریف عملیاتی ننموده و تنها به بخشی از این کارکردها اشاره نموده اند. همچنین متغیرهای والدینی نیز به طور مشخص بررسی نشده و بیشتر کلی و مبهم عملیاتی شده است. بعلاوه در مدل های یاد شده نقش جنسیت مدنظر قرار نگرفته این در حالی است که برخی از پژوهشگران معتقدند که تحولات شناختی در کودکان بر حسب جنسیت از فرایندهای متفاوتی تبعیت می کند. بنابراین با توجه به روابط متغیرها در چارچوب نظریه های گسترده و همچنین لزوم تدوین مدلی زیربنایی برای تبیین توانایی تحصیلی زود هنگام و همچنین خلاء پژوهشی موجود مطالعه حاضر به منظور پاسخگویی به این سوال اساسی صورت بندی شده است که آیا سبک های فرزندپروری و دلبستگی با نقش واسطه ای کارکردهای اجرایی می توانند پیش بینی کننده توانایی تحصیلی زود هنگام در کودکان دبستانی باشند؟ در ادامه مدل مفهومی روابط متغیرها بر اساس مبانی نظری ارائه می گردد: همانطور که در مدل فوق ملاحظه می شود سبک های فرزندپروری و سبک های دلبستگی به عنوان متغیرهای مستقل و کارکردهای اجرایی به عنوان متغیرهای میانجی می باشند. توانایی زود هنگام تحصیلی نیز متغیر وابسته می باشد.

عملکرد اجرایی ضعیف تری دارند. در واقع می توان گفت عملکرد اجرایی از جمله مهارت های یادگیری می باشد که مجموعه ای از فرایندهای پردازش ذهنی بوده و تجربیات گذشته ی فرد را به موقعیت عملکرد فعلی آن مرتبط می سازد و از این طریق منجر به افزایش سطح عملکرد و بهبود کیفیت عملکرد فرد در زمان حال می شود (۲۴). شواهد مشخصی از نقش واسطه ای کارکردهای اجرایی در ادبیات نظری توسط شبکه تحقیقاتی مراقبت اولیه کودکان (NICHD) (۲۰۰۳) گزارش شده است. هرچند این مدل های حمایتی مستقیماً نقش واسطه ای کارکرد اجرایی را بررسی نموده اند اما به جای آن متغیرهای مرتبط و زیرمجموعه ای از کارکردهای اجرایی را به عنوان واسطه در نظر گرفته اند. مدل فریدمن و همکاران (۲۱) نیز نشان می دهد که عملکرد کودکان در توانایی برنامه ریزی (در چند بعد مهار، حافظه کاری و انعطاف پذیری) نقش واسطه ای را بین کیفیت والدگری با توانایی های تحصیلی بعدی در کودکان ۴/۵ دارد. در مدل دیگری فیتزپاتریک<sup>۲</sup> نشان می دهد که در کودکان ۳ تا ۵ ساله جنبه های مختلف محیط خانواده از جمله فرزندپروری با توسعه کارکردهای اجرایی در کودکان می تواند توانایی های تحصیلی اولیه کودکان را بهبود بخشد. با توجه به آنچه گفته شد می توان در یک جمع بندی توانایی تحصیلی زود هنگام را به عنوان یک پتانسل مهم برای پیشرفت تحصیلی در آینده در نظر گرفت که می تواند براساس نظریه های گسترده ای این توانایی را به عوامل زیربنایی در خانواده نسبت داد. بر اساس این نتیجه گیری می توان مدلی را متصور بود که در آن سبک های دلبستگی و فرزندپروری به پشتوانه "نظریه دلبستگی" می تواند توانایی تحصیلی زود هنگام را تبیین نمایند. از سوی دیگر کارکردهای اجرایی نیز علاوه بر مبانی یاد شده می توانند تحت تاثیر



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

<sup>۲</sup>-Fitzpatrick

<sup>۱</sup>-Early Child Care Research Network

## مواد و روش ها

روش پژوهش حاضر، طرح همبستگی با تکیه بر الگویابی معادلات ساختاری است که یک روش همبستگی چند متغیری است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه مادران و کودکان پیش دبستانی دختر و پسر شهر یزد در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ که در مراکز پیش دبستانی ثبت نام کرده بودند. با توجه به اینکه اسامی تمام کودکان پیش دبستانی شهر یزد در دسترس نیست از روش خوشه ای چندمرحله ای برای انتخاب نمونه استفاده شد. شهر یزد دارای چهار منطقه جغرافیایی می باشد. برای این منظور از هر منطقه جغرافیایی شهر یزد ۵ مرکز پیش دبستانی انتخاب شد. در واقع در مجموع ۲۰ مرکز پیش دبستانی انتخاب و از کودکان هر مرکز شامل دختران و پسران نمونه گیری انجام شد. به منظور تعیین حجم نمونه به گفته هومن بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه گیری شده تعیین می شود.  $(15Q \leq n \leq 5Q)$  با توجه به اینکه تعداد آیتام ها برای سنجش در مطالعه حاضر برابر با ۱۲۱ آیتام بود بنابراین حداقل حجم نمونه برابر با ۶۰۵ و حداکثر حجم آن برابر با ۱۸۱۵ برآورد می شود. در این مطالعه با در نظر گرفتن احتمال ریزش و همچنین به منظور افزایش تعمیم پذیری ۷۰۰ نمونه مادر فرزندان (۳۵۰ دختر و ۳۵۰ پسر) انتخاب شد.

## ابزارهای پژوهش

پرسشنامه توانایی تحصیلی زودهنگام: توانایی های تحصیلی زودهنگام مهارت های شناختی اولیه در کودک می باشد که به عنوان پایه ای برای یادگیری بعدی کودک در مدرسه به کار می رود. به عنوان مثال مهارت های شناختی اولیه نظیر زبان شفاهی و توانایی های مفهومی برای تسلط بر خواندن و ریاضیات و یادگیری آن اهمیت بسیاری دارند. در مطالعه پژوهشگر توانایی تحصیلی زودهنگام مبتنی بر مدل دالی و همکاران است که شامل ۱۱ بعد مورد سنجش از جمله توانایی خواندن حروف، فهرست لغات، کپی کردن حروف، ساخت صدای حروف، انتخاب صدای حروف، خواندن شماره ها، شمارش اعداد، تولید شماره ها، انتخاب اعداد، تشخیص رنگ ها و تشخیص اشکال می باشد. هریک از ۱۱ بعد این مدل شامل آیتام هایی است که در مجموع می تواند توانایی تحصیلی فرد را بسنجد. بر اساس نظریه ارزیابی مهارت های تحصیلی زودهنگام دالی و همکاران پنج مورد از این اقدامات به عنوان معیارهای مهارت خواندن اولیه می باشند. چهار مورد از آن نیز برای ارزیابی مهارت های ریاضی است. دو مورد نیز شامل مهارت های متداول در برنامه های درسی می باشند. پرسشنامه دبستگی کودکان: این پرسشنامه توسط هالپرن و کاپنبرگ طراحی شده است. تعداد سوالات آن ۲۰ و هدف آن سنجش دبستگی کودکان در دوره ی میانی (قبل از دبستان و دبستان) از ابعاد مختلف (تکامل انطباقی مثبت (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶)، واکنش هیجانی (۷، ۸، ۹، ۱۰)، رفتارهای منفی (۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶)، دوری گزیدن از حمایت چهره ی دبستگی/فرد مراقب (۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰)) می باشد. طیف نمره دهی

بر اساس لیگرت پنج درجه ای از هرگز (۱)، به ندرت (۲)، گاهیگاهی (۳)، اغلب اوقات (۴) و همیشه (۵) می باشد. در پژوهش سلیمانی و همکاران (۱۳۹۳) روایی و پایایی این پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج آزمون تحلیل عاملی نشان داد که آزمون KMO برابر با ۰/۷۳ و در سطح مطلوب بوده و آزمون کرویت بارتلت از نظر آماری معنی دار بود. نتایج تحلیل عاملی با چرخش واریماکس وجود چهار عامل در گویه ها را تایید کرد که ۴۸/۷۲٪ از واریانس کل مقیاس را تبیین کرد. ضرایب همسانی درونی این پرسشنامه در حد بالایی بدست آمد. محاسبه ی ضریب آزمون - بازآزمون به فاصله ی یک ماه مطلوب و بالا بود. تحلیل عاملی تاییدی، نتایج حاصل از تحلیل عاملی به چرخش واریماکس را تایید کرد. همبستگی معنی دار نمرات این پرسشنامه با نمرات پرسشنامه های هیجان های مادرانه و پرسشنامه SDQ روایی همگرا، واگرا و همزمان مقیاس را تایید کرد. همچنین پایایی آزمون - بازآزمون این پرسشنامه ۰/۷۹ گزارش شده است (به نقل از سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۳). پرسشنامه سبک های فرزندپروری: این پرسشنامه توسط بامریند برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده از آن به شیوه آزادگذاری مطلق<sup>۱</sup> (۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸)، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی<sup>۲</sup> (۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۲۹) و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین (۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰) در امر پرورش فرزند مربوط می شوند. در این پژوهش آزمودنی ها با مطالعه هر ماده نظر خود را برحسب یک مقیاس ۵ درجه ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم) مشخص کنند که بعداً و به ترتیب از صفر تا ۴ نمره گذاری شده و با جمع نمرات، سه نمره مجزا در مورد آزاد گذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می آید. میزان پایایی این پرسشنامه به روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای آزادگذاری، ۰/۸۵ برای استبدادی و ۰/۹۲ برای اقتدار منطقی پدران گزارش شده است (۱۲). همچنین وی در مورد اعتبار پرسشنامه این نتایج را گزارش می دهد: مستبد بودن پدر رابطه معکوس با آزادگذاری (۰/۵۰) و اقتدار منطقی (۰/۵۲) او دارد. در ایران اسفندیاری پایایی بازآزمایی این ابزار را برای سبک سهل گیرانه ۰/۶۹، برای سبک استبدادی ۰/۷۷ و برای سبک مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش کرده است. حسینی دولت آبادی و سعادت با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی روایی سازه این پرسشنامه را بررسی و ساختار سه عاملی آن را تایید کرده اند. بر اساس مطالعه آن ها سبک فرزندپروری سهل گیرانه ۴۵/۱ درصد، سک مستبدانه ۴۱/۷ درصد و مقتدرانه ۴۴/۳ درصد کل واریانس مقیاس فرزندپروری را تبیین می کند. بعلاوه بار عاملی سوالات روی هریک از زیر مقیاس ها بین ۰/۵۸ تا ۰/۷۴ گزارش شده است که نشاندهنده روایی مطلوب این ابزار است. همچنین آن ها ضریب پایایی کلی این ابزار را ۰/۷۱ و برای سبک سهلگیرانه ۰/۶۲، سبک مستبدانه ۰/۶۲ و برای سبک مقتدرانه ۰/۷۵ گزارش کرده اند.

<sup>۱</sup>. Authoritarian

<sup>۲</sup>. Permissive

و اعتبار پرسشنامه سنجیده شد که ضریب پایایی آزمون-بازآزمون خرده مقیاسهای آزمون رتبه بندی رفتاری کارکردهای اجرایی در کارکرد بازداری ۰/۹۰، جهت دهی ۰/۸۱، کنترل هیجانی ۰/۹۱، آغاز به کار ۰/۸۰، حافظه فعال ۰/۷۱، برنامه ریزی ۰/۸۱، سازماندهی اجزاء ۰/۷۹، نظارت ۰/۷۸، شاخص تنظیم رفتار ۰/۹۰، شاخص فراشناخت ۰/۸۷ و نمره کلی کارکردهای اجرایی ۰/۸۹ بدست آمد. ضریب همسانی درونی برای این پرسشنامه از ۰/۸۷ تا ۰/۹۴ می باشد که نشان دهنده بالا بودن همسانی درونی کلیه خرده مقیاس های پرسشنامه است.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار *Lisrel-V8.8* و *Spss-V23* انجام شد. همچنین به منظور آزمون فرضیه های پژوهش از مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد.

#### یافته ها

در این بخش نیز با استفاده از شاخص های مرکزی، پراکندگی و نمودار متغیرهای پژوهش مورد توصیف قرار می گیرد.

پرسشنامه کارکردهای اجرایی: پرسشنامه درجه بندی رفتاری کارکردهای اجرایی (فرم والدین)، توسط جرارد، جیویا پتر، ایسکوئیس، استیون، گای و کنورسی<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۰ نوشته شده است. این ارزیابی دارای دو فرم والدین و معلمین و دارای ۸۶ سؤال می باشد که با توجه به شرایط حادث شدن وضعیت برای کودک به عنوان "هیچ وقت" و "گاهی اوقات" و "همیشه" به ترتیب از ۱ تا ۳ توسط والدین نمره گذاری می شود و رفتارهای کودک را در مدرسه و یا منزل مورد بررسی قرار می دهد و به منظور تفسیر رفتاری عملکرد اجرایی کودکان ۵ تا ۱۸ ساله طراحی شده است (گای و همکاران، ۲۰۰۰). زمان تکمیلی این فرم بین ۱۰ تا ۱۵ دقیقه است. ضریب اعتبار این پرسشنامه برای نمونه های بالینی در فرم والدین آن، ۰/۹۸-۰/۸۲ می باشد و زمانی که برای ارزیابی جامعه هنجار از آن استفاده شود، این میزان به ۰/۹۷-۰/۸۰ می رسد، روایی و پایایی نسخه ی فارسی پرسشنامه درجه بندی رفتاری کارکردهای اجرایی (فرم والدین) توسط نیمی در جامعه ی در خود مانده انجام شده است. نسخه اصلی آزمون از ویژگی های روان سنجی خوب، روش اجرای ساده و روشن برخوردار است و ابزاری قابل اعتماد و کاربردی برای درمانگران معرفی شده است. در پژوهش شهابی روایی

جدول ۱. مشخصه های آماری متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	کمینه	بیشینه
دل بستگی کودکان	تکامل انطباقی مثبت	۳,۴۶	۰,۷۹	-۰,۱۶	-۰,۱۲		
	واکنش هیجانی	۳,۱۲	۰,۸۵	۰,۰۴	-۰,۳۱	۱	۵
	رفتارهای منفی	۳,۴۳	۰,۷۸	-۰,۳۰	-۰,۰۳		
سبک های فرزندپروری	دوری گزیدن	۳,۲۷	۰,۹۰	۰,۰۱	-۰,۵۰		
	آزادگذاری مطلق	۲,۲۲	۰,۸۱	۰,۱۶	-۰,۲۸		
	استبدادی	۲,۲۷	۰,۷۳	۰,۰۴	۰,۱۳	۰	۴
توانایی تحصیلی زود هنگام	اقتدار منطقی	۲,۲۴	۰,۷۶	۰,۰۸	۰,۱۴		
	توانایی خواندن حروف	۲,۸۹	۰,۷۴	-۰,۸۱	-۰,۲۸		
	فهرست لغات	۲,۹۱	۰,۶۶	-۰,۶۶	۰,۱۰		
	کپی کردن حروف	۲,۹۴	۰,۶۴	-۰,۷۲	-۰,۵۶		
	تولید صدای حروف	۳,۱۲	۰,۶۰	-۱,۲۹	۱,۰۰		
	انتخاب صدای حروف	۲,۹۵	۰,۶۴	-۰,۸۷	۰,۸۲	۱	۴
	خواندن شماره ها	۲,۹۹	۰,۶۹	-۰,۶۸	-۰,۱۲		
	شمارش اعداد	۳,۰۱	۰,۶۰	-۰,۶۶	۰,۵۲		
	انتخاب اعداد	۲,۹۱	۰,۷۲	-۰,۸۰	۰,۳۵		
	تشخیص رنگ ها	۲,۸۱	۰,۶۵	-۰,۵۰	۰,۰۳		
تشخیص اشکال	۳,۰۴	۰,۵۹	-۰,۹۳	۰,۸۹			
کارکردهای اجرایی		۲,۲۳	۰,۳۲	-۰,۵۱	۱,۲۶	۱	۳

می دهد. همچنین، با توجه به مقادیر چولگی و کشیدگی که در بازه ی معقولی برای حدس بر نرمال بودن داده ها قرار دارند، می توان

اطلاعات جدول ۱ مشخصه های آماری (میانگین، انحراف استاندارد، چولگی، کشیدگی، کمینه و بیشینه) را برای متغیرهای پژوهش نشان

<sup>۱</sup>. Gerard, Gioia, Petr, Isjuith, Steven, Guy & Kenworthy

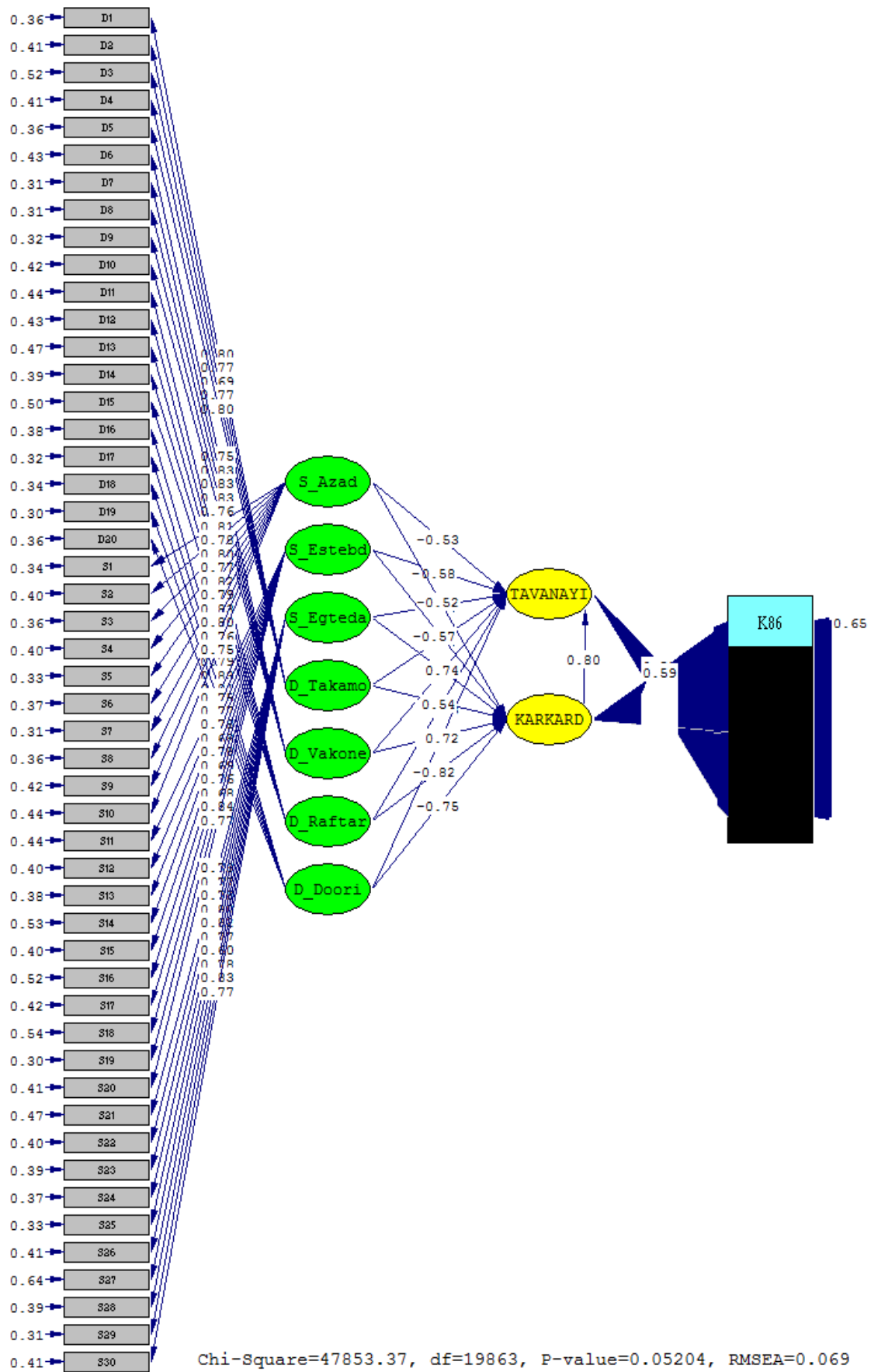
بدین منظور، پس از رسم ساختار، اضافه نمودن قیود مدل و انتخاب روش ماکسیمم درستنمایی، مدل اجرا شده و نمودار مسیر برازش شکل‌های زیر به دست آمد. شکل‌های زیر نمودار مسیر برازش شده به داده‌ها را نشان می‌دهد. همانگونه که شاخص‌های  $\chi^2$ -دو و RMSEA نشان می‌دهند، مدل برازش مناسبتری را به داده‌ها ارائه می‌کند. خروجی‌های الگو در جدول زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

فرض نرمال بودن داده‌ها را مطرح کرده و پذیرفت. برای بررسی این آزمون، از تحلیل عامل تأییدی، استفاده می‌شود. منتهی، با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت در این فرضیه، این فرضیه دو بخش دختران و پسران اجرا شد. سپس، نتایج بدست آمده مورد مقایسه قرار گرفت. الف) دختران

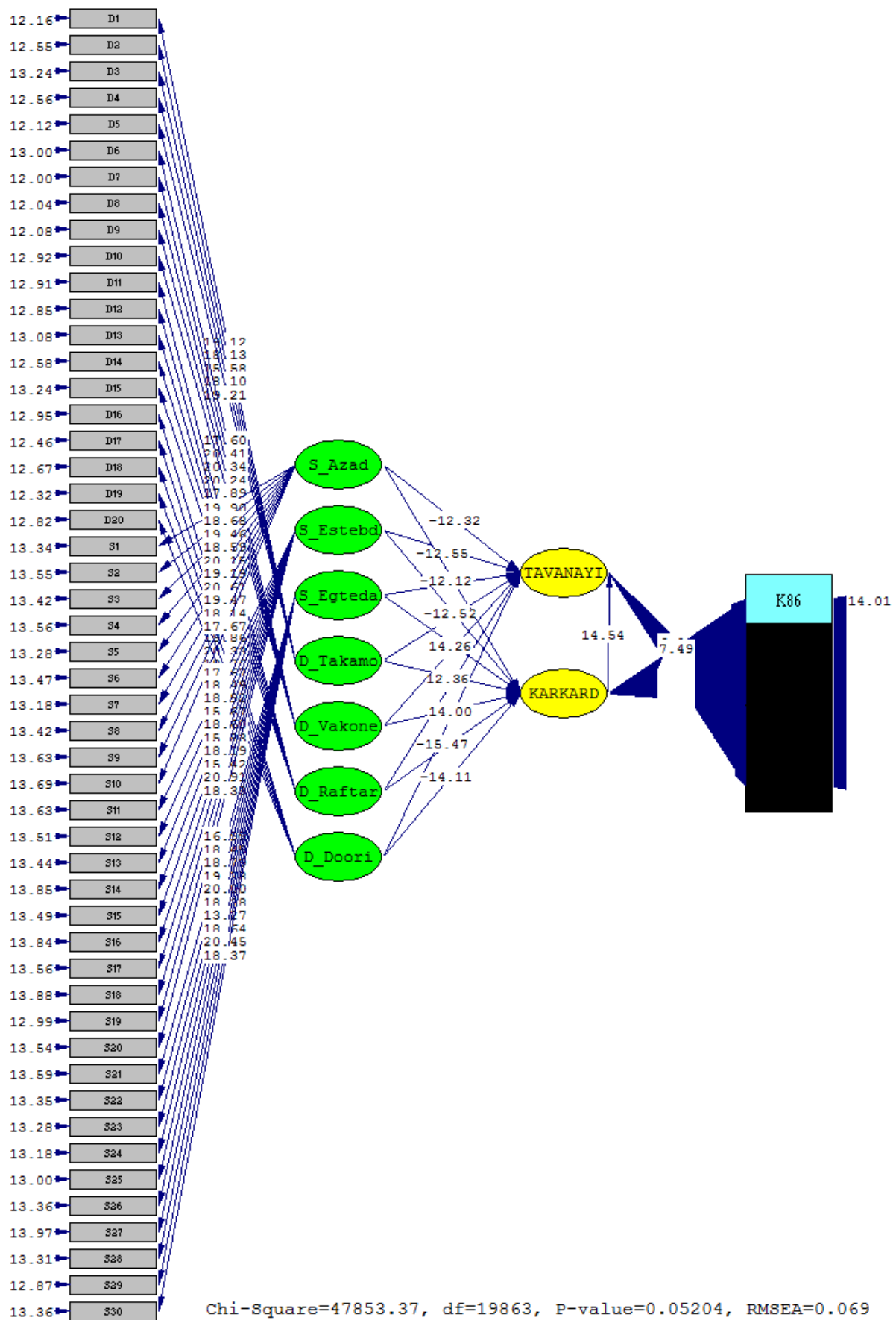
جدول ۲. گزیده‌ای از شاخص‌های برازش مهم مدل ترسیمی

شاخص	نام شاخص	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	سطح تحت پوشش (کای اسکوتر)	-	۴۷۸۵۳٫۳۷	
	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰٫۹۵	بزرگتر از ۰٫۹
شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	۰٫۹۳	بزرگتر از ۰٫۹
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰٫۹۸	بزرگتر از ۰٫۹
شاخص‌های برازش مقتصد	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰٫۰۶۹	کمتر از ۰٫۱

همانگونه که مشاهده می‌شود شاخص‌های برازش الگو در وضعیت مطلوبی قرار گرفته است.



شکل ۳. مدل (دختران) در حالت ضرایب استاندارد



شکل ۳. مدل (دختران) در حالت معناداری ضرایب

همان‌طور که در شکل‌های بالا نشان داده شده است، کلیه مقادیر پارمترهای مربوط به مدل به همراه ضرایب مسیر نشان داده شده است که در جداول زیر آورده شده است.

جدول ۳. ضرایب مسیر و معناداری (دختران)

مسیر	ضریب مسیر	مقدار t	وضعیت
تکامل انطباقی مثبت ←	۰,۵۴	۱۲,۳۶	پذیرفته شد
واکنش هیجانی ←	۰,۷۲	۱۴,۰۰	پذیرفته شد
رفتارهای منفی ←	-۰,۸۲	-۱۵,۴۷	پذیرفته شد
دوری گزیدن ←	-۰,۷۵	-۱۴,۱۱	پذیرفته شد
آزاد گذاری مطلق ←	-۰,۵۲	-۱۲,۱۲	پذیرفته شد
استبدادی ←	-۰,۵۷	-۱۲,۵۲	پذیرفته شد
اقتدار منطقی ←	۰,۷۴	۱۴,۲۶	پذیرفته شد
کارکردهای اجرایی ←	۰,۸۰	۱۴,۵۴	پذیرفته شد
تکامل انطباقی مثبت ←	۰,۵۳	۱۲,۳۰	پذیرفته شد
واکنش هیجانی ←	۰,۸۰	۱۴,۵۳	پذیرفته شد
رفتارهای منفی ←	-۰,۵۷	-۱۲,۵۳	پذیرفته شد
دوری گزیدن ←	-۰,۵۵	-۱۲,۴۱	پذیرفته شد
آزاد گذاری مطلق ←	-۰,۵۳	-۱۲,۳۲	پذیرفته شد
استبدادی ←	-۰,۵۸	-۱۲,۵۵	پذیرفته شد
اقتدار منطقی ←	۰,۶۱	۱۲,۸۷	پذیرفته شد

درون‌زای مدل ارائه شود که این اثرات در جداول زیر قابل مشاهده است.

برای بررسی میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته لازم است تا اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم برای متغیر

جدول ۴. تفکیک اثرات، مستقیم، غیرمستقیم و کل مدل پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اثر	
		مستقیم	غیرمستقیم
تکامل انطباقی مثبت	کارکردهای اجرایی	۰,۵۴	---
کارکردهای اجرایی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۸۰	----
تکامل انطباقی مثبت	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۵۳	$۰,۵۴ * ۰,۸۰ = ۰,۴۳$
واکنش هیجانی	کارکردهای اجرایی	۰,۷۲	---
کارکردهای اجرایی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۸۰	----
واکنش هیجانی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۸۰	$۰,۷۲ * ۰,۸۰ = ۰,۵۸$
رفتارهای منفی	کارکردهای اجرایی	-۰,۸۲	---
کارکردهای اجرایی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۸۰	----
رفتارهای منفی	توانایی تحصیلی زود هنگام	-۰,۵۷	$-۰,۸۲ * ۰,۸۰ = -۰,۶۶$
دوری گزیدن	کارکردهای اجرایی	-۰,۷۵	---
کارکردهای اجرایی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۸۰	----
دوری گزیدن	توانایی تحصیلی زود هنگام	-۰,۵۵	$-۰,۷۵ * ۰,۸۰ = -۰,۶۰$
آزاد گذاری مطلق	کارکردهای اجرایی	-۰,۵۲	---
کارکردهای اجرایی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۸۰	----
آزاد گذاری مطلق	توانایی تحصیلی زود هنگام	-۰,۵۳	$-۰,۵۲ * ۰,۸۰ = -۰,۴۲$
استبدادی	کارکردهای اجرایی	-۰,۵۷	---

۰,۸۰	-----	۰,۸۰	توانایی تحصیلی زود هنگام	کارکردهای اجرایی
-۱,۰۴	-۰,۵۷ * ۰,۸۰ = -۰,۴۶	-۰,۵۸	توانایی تحصیلی زود هنگام	استبدادی
۰,۷۴	----	۰,۷۴	کارکردهای اجرایی	اقتدار منطقی
۰,۸۰	-----	۰,۸۰	توانایی تحصیلی زود هنگام	کارکردهای اجرایی
۱,۲۰	۰,۷۴ * ۰,۸۰ = ۰,۵۹	۰,۶۱	توانایی تحصیلی زود هنگام	اقتدار منطقی

ب) پسران  
بدین منظور، پس از رسم ساختار، اضافه نمودن قیود مدل و انتخاب روش ماکسیم درستی، مدل اجرا شده و نمودار مسیر برازش شکل‌های زیر به دست آمد. شکل‌های زیر نمودار مسیر برازش شده به داده‌ها را نشان می‌دهد. همانگونه که شاخص‌های خی-دو و RMSEA نشان می‌دهند، مدل برازش مناسبتری را به داده‌ها ارائه می‌کند. خروجی‌های الگو در جدول زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۵. گزیده‌ای از شاخص‌های برازش مهم مدل ترسیمی

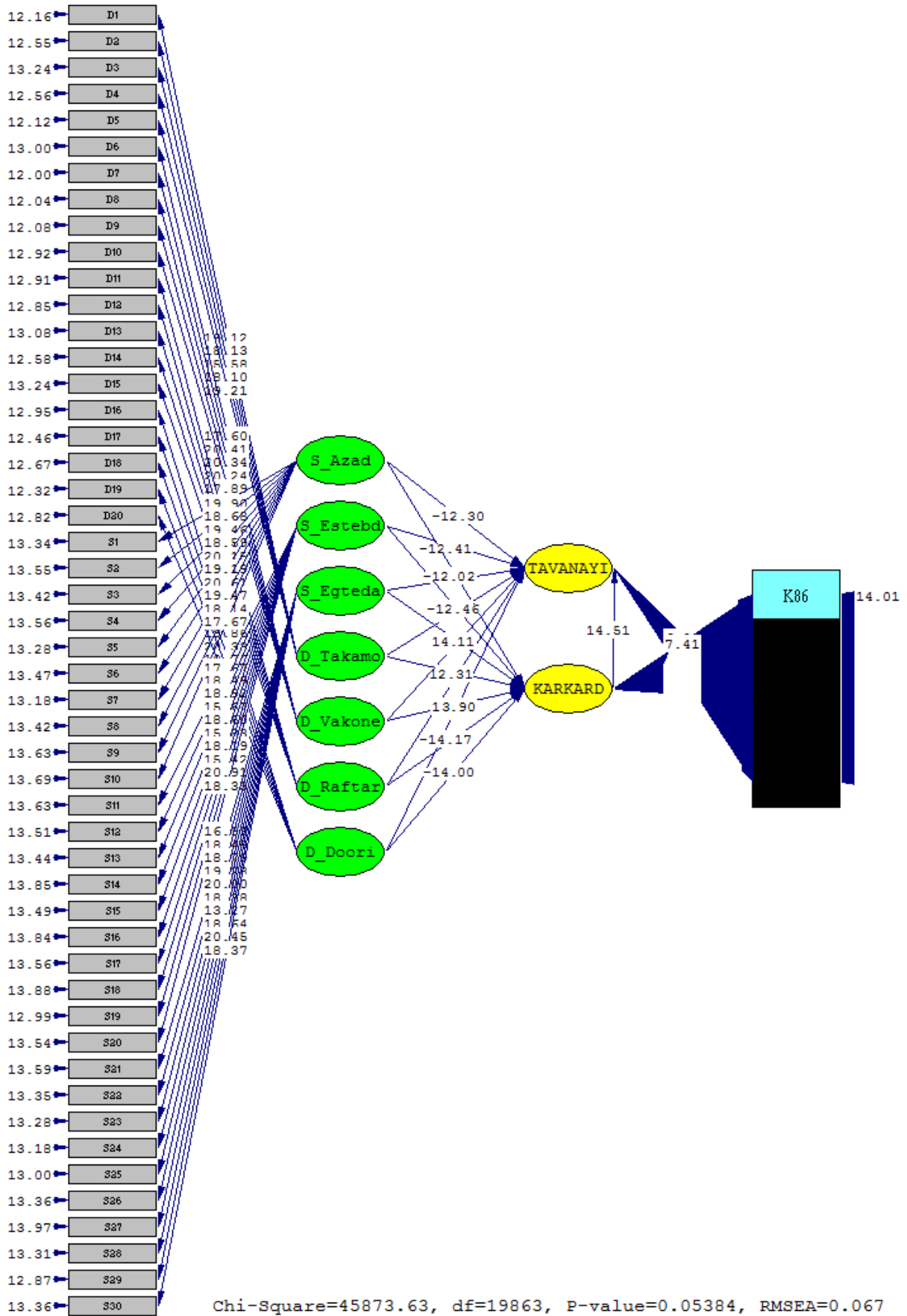
اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
-	۴۵۸۷۳,۶۳	
GFI	۰,۹۶	بزرگتر از ۰,۹
AGFI	۰,۹۴	بزرگتر از ۰,۹
CFI	۰,۹۸	بزرگتر از ۰,۹
RMSEA	۰,۰۶۷	کمتر از ۰,۱

همانگونه که مشاهده می‌شود شاخص‌های برازش الگو در وضعیت مطلوبی قرار گرفته است.

$\chi^2=19863, P\text{-value}=0.05384, RMSEA=0.067$

شکل ۴. مدل (پسران) در حالت ضرایب استاندارد

همان‌طور که در جدول ۴ قابل مشاهده است، تاثیر سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در دختران به این صورت است: تاثیر تکامل انطباقی مثبت بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در دختران، ۰,۹۶ است. تاثیر واکنش هیجانی بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در دختران، ۱,۳۸ است. تاثیر رفتارهای منفی بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در دختران، -۱,۲۳ است. تاثیر دوری‌گزیدن بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در دختران، -۱,۱۵ است. تاثیر آزادگذاری مطلق بر توانایی شاخص‌های برازش مطلق سطح تحت پوشش (کای اسکور) تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در دختران، -۰,۹۵ است. تاثیر استبدادی بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در دختران، -۱,۰۴ است. تاثیر اقتدار منطقی بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در دختران، ۱,۳۸ است. تاثیر ریشه میانگین مربعات خطای بر آورد میانجی کارکردهای اجرایی در دختران، ۱,۳۸ است. بنابراین، با توجه به شکل‌های بالا چنین استنباط می‌شود که مدل توانایی تحصیلی زود هنگام بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با تکیه بر نقش میانجی‌گری کارکردهای اجرایی در کودکان (دختر) پیش‌دستانی دارای برازش است.



شکل ۵. مدل (پسران) در حالت معناداری ضرایب

همان‌طور که در شکل‌های بالا نشان داده شده است، کلیه مقادیر پارمترهای مربوط به مدل به همراه ضرایب مسیر نشان داده شده است که در جداول زیر آورده شده است.

جدول ۶. ضرایب مسیر و معناداری فرضیه سوم (پسران)

مسیر	ضریب مسیر	مقدار t	وضعیت
تکامل انطباقی مثبت	۰,۵۲	۱۲,۳۱	پذیرفته شد
واکنش هیجانی	۰,۶۸	۱۳,۹۰	پذیرفته شد
رفتارهای منفی	-۰,۷۵	-۱۴,۱۷	پذیرفته شد
دوری گزیدن	-۰,۷۰	-۱۴,۰۰	پذیرفته شد
آزادگذاری مطلق	-۰,۵۰	-۱۲,۰۲	پذیرفته شد
استبدادی	-۰,۵۵	-۱۲,۴۶	پذیرفته شد
اقتدار منطقی	۰,۶۵	۱۴,۱۱	پذیرفته شد
کارکردهای اجرایی	۰,۷۸	۱۴,۵۱	پذیرفته شد
تکامل انطباقی مثبت	۰,۵۱	۱۲,۲۴	پذیرفته شد
واکنش هیجانی	۰,۷۷	۱۴,۴۰	پذیرفته شد
رفتارهای منفی	-۰,۵۴	-۱۲,۳۸	پذیرفته شد
دوری گزیدن	-۰,۵۱	-۱۲,۲۹	پذیرفته شد
آزادگذاری مطلق	-۰,۵۱	-۱۲,۳۰	پذیرفته شد
استبدادی	-۰,۵۵	-۱۲,۴۱	پذیرفته شد
اقتدار منطقی	۰,۵۷	۱۲,۶۶	پذیرفته شد

درون‌زای مدل ارائه شود که این اثرات در جداول زیر قابل مشاهده است.

برای بررسی میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته لازم است تا اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم برای متغیر

جدول ۷. فکیک اثرات، مستقیم، غیرمستقیم و کل مدل پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اثر	
		مستقیم	غیرمستقیم
تکامل انطباقی مثبت	کارکردهای اجرایی	۰,۵۲	----
کارکردهای اجرایی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۷۸	-----
تکامل انطباقی مثبت	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۵۱	۰,۵۲ * ۰,۷۸ = ۰,۴۱
واکنش هیجانی	کارکردهای اجرایی	۰,۶۸	----
کارکردهای اجرایی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۷۸	-----
واکنش هیجانی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۷۷	۰,۶۸ * ۰,۷۸ = ۰,۵۳
رفتارهای منفی	کارکردهای اجرایی	-۰,۷۵	----
کارکردهای اجرایی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۷۸	-----
رفتارهای منفی	توانایی تحصیلی زود هنگام	-۰,۵۴	-۰,۷۵ * ۰,۷۸ = -۰,۵۸
دوری گزیدن	کارکردهای اجرایی	-۰,۷۰	----
کارکردهای اجرایی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۷۸	-----
دوری گزیدن	توانایی تحصیلی زود هنگام	-۰,۵۱	-۰,۷۰ * ۰,۷۸ = -۰,۵۵
آزادگذاری مطلق	کارکردهای اجرایی	-۰,۵۰	----
کارکردهای اجرایی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۷۸	-----
آزادگذاری مطلق	توانایی تحصیلی زود هنگام	-۰,۵۱	-۰,۵۰ * ۰,۷۸ = -۰,۳۹
استبدادی	کارکردهای اجرایی	-۰,۵۵	----
کارکردهای اجرایی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۷۸	-----

استبدادی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰۰,۵۵	$-۰,۴۳ = ۰,۷۸ * ۰,۵۵ - ۰,۹۸$	۰,۶۵
اقتدار منطقی	کارکردهای اجرایی	۰,۶۵	----	۰,۶۵
کارکردهای اجرایی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۷۸	-----	۰,۷۸
اقتدار منطقی	توانایی تحصیلی زود هنگام	۰,۵۷	$۰,۵۱ = ۰,۷۸ * ۰,۶۵ - ۱,۰۸$	۱,۰۸

اقتدار منطقی بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در پسران، ۱,۰۸ است. بنابراین، با توجه به شکل‌های بالا چنین استنباط می‌شود که مدل توانایی تحصیلی زود هنگام بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با تکیه بر نقش میانجی‌گری کارکردهای اجرایی در کودکان (پسر) پیش‌دستانی دارای برآزش است.

همان‌طور که در دو مدل دختران و پسران مشاهده شد، مدل توانایی تحصیلی زود هنگام بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با تکیه بر نقش میانجی‌گری کارکردهای اجرایی دارای برآزش است. همچنین، تاثیر سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در بین پسران و دختران به صورت خلاصه به تفکیک جنسیت در جدول زیر آورده شده است.

همان‌طور که در جدول ۷ قابل مشاهده است، تاثیر سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در پسران به این صورت است: تاثیر تکامل انطباقی مثبت بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در پسران، ۰,۹۲ است. تاثیر واکنش هیجانی بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در پسران، ۱,۳۰ است. تاثیر رفتارهای منفی بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در پسران، ۱,۰۶- است. تاثیر دوری‌گزیدن بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در پسران، ۱,۰۶- است. تاثیر آزادگذاری مطلق بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در پسران، ۰,۹۰- است. تاثیر استبدادی بر توانایی تحصیلی زود هنگام از طریق متغیر میانجی کارکردهای اجرایی در پسران، ۰,۹۸- است. تاثیر

جدول ۸. تفکیک اثرات کل مدل پژوهش در بین دختران و پسران

اثر کل		متغیر وابسته	متغیر مستقل
پسران	دختران	توانایی تحصیلی زود هنگام	تکامل انطباقی مثبت
۰,۹۲	۰,۹۶		واکنش هیجانی
۱,۳۰	۱,۳۸		رفتارهای منفی
-۱,۱۲	-۱,۲۳		دوری‌گزیدن
-۱,۰۶	-۱,۱۵	توانایی تحصیلی زود هنگام	آزادگذاری مطلق
-۰,۹۰	-۰,۹۵		استبدادی
-۰,۹۸	-۱,۰۴		اقتدار منطقی
۱,۰۸	۱,۲۰		

همکاران (۲۶)، بیکر و همکاران (۲۷)، زارلا و همکاران (۲۸) همخوانی دارد. با توجه به یافته‌های ارائه شده، شیوه تربیتی والدین مقتدر که در مورد فرزندشان ثابت قدم هستند، الگوهایی از رفتارهای ابراز وجود و اعتماد را به آنها ارائه می‌دهند؛ آنها به گفته‌های کودکان خود گوش می‌سپارند و گفت و گو با آنها را ترویج می‌دهند، همچنین روش انضباطی آنان توأم با گرمی، منطق و انعطاف‌پذیری است که به افزایش توانایی تحصیلی در کودکان یاری می‌رساند. والدین مقتدر در کنش‌های خود با کودکان دلسوز و صمیمی هستند. والدین مقتدر توقعاتی دارند که با توجه به توانایی‌های در حال رشد فرزندشان، معقول است. علاوه بر این، این گونه والدین از درجات بالایی از گرم بودن و پاسخگو بودن برخوردارند. در مقابل والدین مستبد پرتوقع هستند و پذیرای نیازها و امیال کودکان نیستند، پیامدهای کلامی والدین یک جانبه و فاقد همنوایی عاطفی است و غالباً هنگام اعمال رهنمودها، دلیلی ارائه نمی‌کنند. نمایش قدرت

همان‌طور که در جدول فوق مشخص است، اثر کل در بین پسران نسبت به دختران کمتر است؛ بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که جنسیت نقش تعدیل‌کنندگی دارد.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل توانایی تحصیلی زود هنگام بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با تکیه بر نقش میانجی‌گری کارکردهای اجرایی و نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت در کودکان پیش‌دستانی انجام شد. نتایج نشان داد که مدل توانایی تحصیلی زود هنگام بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با تکیه بر نقش میانجی‌گری کارکردهای اجرایی در کودکان (دختر و پسر) پیش‌دستانی دارای برآزش است. همچنین نتایج نشان داد که جنسیت نقش تعدیل‌کنندگی دارد. نتایج پژوهش با یافته‌های کانوی و همکاران (۲۵)، بید و همکاران (۱)، آهمد و

رویدادهای غیر عادی ایجاد شده و با برنامه‌های روزانه تداخل می‌کند، بتواند استرس‌های روزانه را مدیریت و رفتارهای نامناسب را بازداری کند. استوس و بنسون (۳۰)، کارکردهای اجرایی را در بردارنده توجه و بازداری، مدیریت تکلیف، برنامه‌ریزی، بازبینی و رمزگردانی می‌دانند. آن‌ها معتقدند کارکردهای اجرایی شامل یکپارچه کردن درون دادهای حسی چند وجهی، ایجاد پاسخ‌های گوناگون، نگهداری مجموعه، رفتارهای هدفمند، انطباق با تغییرات محیطی و توانایی برنامه‌ریزی و ارزیابی خود می‌باشد. بنابراین کارکردهای اجرایی نوعی مهارت شناختی عالی مغز و در بردارنده کارکردهای کنترل هدفمند می‌باشد. این مهارت‌ها و توانایی‌های شناختی برای رفتارهای هدفمند و سازگاری با تغییرات محیطی ضروری‌اند و اغلب عهده‌دار مهارت‌های شناختی نظیر توجه، زبان، ادراک، ایجاد سطوح بالاتر، تفکر خلاق یا انتزاعی می‌باشند. کارکردهای اجرایی با حوزه‌های توجه، استدلال و حل مسئله همپوشانی دارد و شامل فعالیت‌های زیر می‌باشد: تغییر وضعیت، نگهداری مجموعه، تداخل - کنترل، بازداری، انسجام فضا و زمان، برنامه‌ریزی، حافظه کاری، تنظیم و تصمیم‌گیری.

همچنین در تبیین فرضیه دیگر پژوهش می‌توان گفت در صورتی که نحوه عملکرد مناسب و دارای روابط گرم و صمیمی باشد، به دل‌بستگی ایمن در افراد خانواده منجر می‌شود و چنانچه نحوه عملکرد خانواده، نامناسب و روابط ضعیف و سرد باشد، باعث ایجاد دل‌بستگی ناایمن اجتنابی می‌شود و از طرف دیگر، اگر نحوه عملکرد والدین باعث ایجاد وابستگی زیاد (تظاهرات و شدت عاطفی زیاد) شود دل‌بستگی دوسوگرا در کودکان شکل می‌گیرد. به طور کلی می‌توان چنین تبیین کرد که نحوه عملکرد خانواده، کیفیت نگهداری و نحوه تعامل افراد خانواده تعیین‌کننده نوع دل‌بستگی در کودک است. بر اساس نظریه روان‌کاوی، کودکان ناایمن مدل‌های درون‌کاوی منفی از خود و دیگران را در چارچوب روابط دل‌بستگی با مادر شکل می‌دهند. این مدل درون‌کاوی از طریق استقرار روان‌سازه‌ها و بازخوردهای منفی نسبت مادر و سپس خود و دیگران، زمینه تفکرات خلاقانه و قضایای ضعیف را در افراد دارای سبک‌های دل‌بستگی ناایمن فراهم می‌سازد. متقابلاً چنین می‌توان فرض کرد که این ویژگی‌های ضعیف بر پویایی مدل‌های درون‌کاری ناایمن و تقویت روان‌سازه‌ها و سازخوردهای منفی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، خانواده‌ای که دارای روابط عاطفی نیرومند با فرزندان خود باشد و نحوه عملکرد مناسبی را اعمال کند، متعاقب آن در فرزندان باعث ایجاد دل‌بستگی ایمن می‌شود و به دنبال آن افزایش استفاده از کارکردهای اجرایی و موفقیت و توانایی تحصیلی بیشتر در فرزندان را تضمین خواهد کرد. به طوری که حساسیت و پاسخگو بودن والدین نسبت به نیازها و خواسته‌های کودک در ایجاد سبک دل‌بستگی ایمن تأثیر دارد.

همچنین در این پژوهش جنسیت نقش تعدیل‌کنندگی داشت. در تبیین نتایج بدست آمده می‌توان گفت در جامعه ما مدرسه‌ها تک‌جنسیتی است و به طور برابر و بدون هیچ محدودیتی دانش‌آموزان دختر و پسر می‌توانند از توانایی‌های تحصیلی بالایی برخوردار شوند و از فرصت‌های کافی برای یادگیری و دریافت بازخوردهای سازنده

والدین مستبد اولین عاملی است که این شیوه را از دو شیوه دیگر متمایز می‌سازد. کمترین مهرورزی، بی‌تفاوتی در برابر رفتار مثبت کودک و عدم استفاده از تقویت مثبت، همدلی اندک نسبت به کودک، به کارگیری شیوه ایجاد ترس برای کنترل و تنبیه و اعمال زور برای مهار خواسته کودک، از ویژگی‌های این شیوه تربیتی است. معمولاً میان والدین مستبد و فرزندانشان تفاهم وجود ندارد. والدین مستبد از نظر گرم بودن و پذیرش در سطوح پایینی هستند. والدین سه‌گیر در ابعاد کنترل و خواسته‌ها، در پایین‌ترین سطح هستند. بر اساس گزارش‌های موجود، هر دو والد کنترل‌اندکی بر کودکانشان دارند، آنها از روش‌های احساس‌گناه برای کنترل فرزندانشان استفاده می‌کنند و در بیشتر موارد در مواجهه با بهانه‌جویی و شکایت کودک، تسلیم می‌شوند. والد سهل‌گیر در تلاش است تا به شیوه‌ای موافق و همسو با تکانه‌ها، امیال و اعمال کودک رفتار کند. با وجود این، آنها نسبت به فرزندان خود گرم و پاسخگو هستند. بر اساس یافته‌های این پژوهش شیوه رفتار این والدین با کاهش توانایی تحصیلی رابطه دارد.

همچنین در راستای نتایج بدست آمده نتایج پژوهش سالیک و همکاران نشان داد شیوه‌های فرزندپروری اولیه می‌تواند از طریق تأثیر بر کارکردهای اجرایی بر مشکلات رفتاری کودکان را در بلندمدت تحت تأثیر قرار دهد. کانوی و همکاران (۲۵) در مطالعه‌ای به بررسی نقش والدین در تنوع عملکرد اجرایی کودکان پرداختند. نتایج نشان داد اعتقادات و سرمایه‌گذاری‌های والدین به طور متفاوتی با کارکرد اجرایی کودکان مرتبط هستند و سرمایه‌گذاری‌های والدین - خواندن والدین و فرزندان، تعداد زیادی از کتاب‌ها در خانه و ثبت نام مراکز خصوصی - به حافظه کاری و کارکردهای اجرایی متفاوتی می‌انجامد. آهمد و همکاران (۲۶) در پژوهش در رابطه بین عملکردهای اجرایی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان به این نتایج دست یافتند که حافظه کاری نقش بسیار مهمی در عملکرد تحصیلی دارد. همچنین کارکردهای اجرایی شامل توجه توانایی‌های شناختی می‌تواند از طریق پیشرفت در یادگیری باعث افزایش عملکرد تحصیلی در افراد گردد. نتایج پژوهش بیدمن و همکاران نیز نشان داد که عملکرد اجرایی نقش واسطه‌ای را بین حمایتی بودن پدر و مادر با موفقیت‌های بعدی فرزندان و دستیابی به استقلال و رشد فردی ایفا می‌کند. کارکردهای اجرایی (توجه، تمرکز، حافظه فعال و نظارت) شامل یک سری فرایندهای کنترل شناختی است که با هم در جهت تنظیم کردن و شکل دادن رفتار مبتنی بر اهداف به کار می‌روند و در هدایت و کنترل رفتار نقش مهمی بازی می‌کنند. از سوی دیگر کارکردهای اجرایی، ساختارهای مهمی هستند که در کنترل و هدایت رفتار، نقش اساسی ایفا می‌کنند و برای انطباق و عملکرد موفق در زندگی واقعی اهمیت دارند. آن‌ها به افراد اجازه می‌دهند تا تکالیف را آغاز و تکمیل کنند و در مواجهه با چالش‌ها، استقامت به خرج دهند. با توجه به غیر قابل پیش‌بینی بودن شرایط محیطی، کارکردهای اجرایی، ساختارهای بااهمیتی هستند که به انسان‌ها کمک می‌کنند موقعیت‌های غیرمنتظره را تشخیص داده و به سرعت نقشه‌ها و برنامه‌هایی را طراحی کنند (۲۹). همچنین به افراد اجازه می‌دهند در شرایطی که

توانایی تحصیلی فرزندان افزایش باید. بدین منظور لازم است از همه ظرفیت های موجود برای آموزش شیوه های درست برخورد با فرزندان و نتایج آن، بهره گیری و زمینه مناسب فراهم شود تا والدین انتظارات و توقعات معقول و منطقی و در حد توان فرزندان از آنها داشته باشند و عزت نفس و مهارت های تحصیلی مثبت را در آنان تقویت کنند

## References

1. Boyd, R. L., Pennebaker, J. W., Ferrell, J. D., & Georgiev, N. (2015). Group discussions and academic performance: Exploring the classroom factors that contribute to student success. In Conference paper.
2. Wright, S. L., Jenkins-Guarnieri, M. A., & Murdock, J. L. (2013). Career development among first-year college students: College self-efficacy, student persistence, and academic success. *Journal of Career Development*, 40(4), 292-310.
3. De Luca, S. M., Franklin, C., Yueqi, Y., Johnson, S., & Brownson, C. (2016). The relationship between suicide ideation, behavioral health, and college academic performance. *Community mental health journal*, 52(5), 534-540.
4. Montoya, M. F., Susperreguy, M. I., Dinarte, L., Morrison, F. J., San Martín, E., Rojas-Barahona, C. A., & Förster, C. E. (2019). Executive function in Chilean preschool children: Do short-term memory, working memory, and response inhibition contribute differentially to early academic skills?. *Early Childhood Research Quarterly*, 46, 187-200.
5. Purpura, D. J., & Schmitt, S. A. (2018). Cross-domain development of early academic and cognitive skills.
6. Ruberry, E. J., Klein, M. R., Kiff, C. J., Thompson, S. F., & Lengua, L. J. (2018). Parenting as a moderator of the effects of cumulative risk on children's social-emotional adjustment and academic readiness. *Infant and child development*, 27(3), e2071.
7. David L. Rabiner, Jennifer Godwin, and Kenneth A. Dodge. Predicting

معلمان برخوردار شوند. بنابراین با تغییراتی که در ادراکات و کلیشه های جنسیتی صورت گرفته به دست آوردن این نتیجه مبنی بر بالا بودن توانایی تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر عجیب نیست اما به طور قطع نمی توان آن را پذیرفت؛ زیرا اوضاع فرهنگی، ابزار مورد استفاده و دیگر مسائل در به دست آوردن نتیجه، موثر است. بنابراین با توجه به نتیجه بدست آمده می توان گفت که جنسیت دانش آموزان نقش تعیین کننده ای در رابطه توانایی تحصیلی زودهنگام بر اساس شیوه های فرزندپروری و سبک های دلبستگی با نقش میانجی کارکردهای اجرایی دارد. بر این اساس، معلمان در کلاس باید به گونه ای آموزش خود را طراحی کنند که متناسب با جنسیت دانش آموزان باشد. در تایید نتایج پژوهش ها در زمینه توانایی های تحصیلی و مهارت های خواندن، نوشتن و مطالعه، اسمیت و میلر معتقدند که دانش آموزان دختر از مهارت های مطالعه منظم و پیوسته ای در مطالعه استفاده می کنند، در کنترل درک و فهم مطالب منظم هستند، در یادداشت برداری در کلاس و آمادگی برای امتحان در مقایسه با دانش آموزان پسر بهتر عمل می کنند. با توجه به نتایج پژوهش ها، جنسیت عامل تاثیرگذاری است که علاوه بر بررسی اثر آن در هر یک از متغیرهای مدنظر، می تواند به عنوان متغیری که رابطه بین دو یا چند متغیر را تعدیل کند، مورد توجه باشد. به ویژه به نظر می رسد رشد فرایندهای شناختی در دختران نسبت به پسران زودتر اتفاق می افتد و آن ها زودتر از پسران به توانایی های تحصیلی زودهنگام دست پیدا می کنند. در همین راستا آنتینر و همکاران نشان دادند که تحول شناختی و پیشرفت دختران چهارساله پیشرفت چشمگیری را به لحاظ عملکردی نسبت به پسران نشان می دهند به طوریکه عملکرد آن ها در این سن برابر با سن یک پسر شش ساله می باشد. این فرایند متفاوتی می تواند الگوی متفاوتی را در دو جنس رقم بزند که در نتیجه تفسیر متفاوتی را خواهد داشت. به همین دلیل است که برخی از پژوهشگران معتقدند لازم است در مطالعه فرایند های شناختی، کارکرد های اجرایی و همچنین تحول کودکان جنسیت را به عنوان یک عامل تعدیل کننده باید مدنظر قرار داد.

از جمله محدودیت های این پژوهش محدود بودن نمونه مورد بررسی از کودکان پیش دبستانی است که این تعداد نمی تواند معرف خوب و کافی برای جامعه باشد. بنابراین تعمیم دادن نتایج فقط به جامعه موردنظر منطقی و امکان پذیر است، و برای سطوح دیگر باید با رعایت احتیاط این کار را انجام دهیم. داده ها و تحلیل های پژوهش حاضر از نوع مطالعات مقطعی است و از این رو نتیجه گیری علی در مورد داده ها صحیح نیست. و باید پژوهش های طولی در این باره صورت بگیرد. به نظر می رسد حل تعارضات و مشکلات ارتباطی میان فرزندان و والدین بتواند نقش مثبتی در بهبود شیوه های فرزندپروری والدین داشته باشد، لذا تشکیل جلسات مشاوره در مدارس با شرکت متخصصان مشاوره و روان شناسی، اقدام سودمندی در جهت پایه گذاری پرورش صحیح فرزندان و در نتیجه زمینه ساز ایجاد عادت های مثبت مانند گرایش به مهارت های مطالعه و خواندن در کودکان باشد. با توجه به یافته های پژوهش پیشنهاد می شود آگاهی والدین در زمینه شیوه های فرزندپروری و تاثیر آن بر

behavior problems and academic achievement vary by culture? Results from a meta-analysis. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 24(1), 75.

16. Kobak, R., & Bosmans, G. (2018). Attachment and Psychopathology: A Dynamic Model of the Insecure Cycle. *Current opinion in psychology*.

17. Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2018). Attachment orientations and emotion regulation. *Current opinion in psychology*.

18. Maltais, C., Duchesne, S., Ratelle, C. F., & Feng, B. (2015). Attachment to the mother and achievement goal orientations at the beginning of middle school: The mediating role of academic competence and anxiety. *Learning and Individual Differences*, 39, 39-48.

19. Willoughby, M. T., Magnus, B., Vernon-Feagans, L., Blair, C. B., & Family Life Project Investigators. (2017). Developmental delays in executive function from 3 to 5 years of age predict kindergarten academic readiness. *Journal of learning disabilities*, 50(4), 359-372.

20. Gooch, D., Thompson, P., Nash, H. M., Snowling, M. J., & Hulme, C. (2016). The development of executive function and language skills in the early school years. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 57(2), 180-187.

21. Friedman, N. P., & Miyake, A. (2017). Unity and diversity of executive functions: Individual differences as a window on cognitive structure. *Cortex*, 86, 186-204.

22. Wagner, S. L., Cepeda, I., Krieger, D., Maggi, S., D'Angiulli, A., Weinberg, J., & Grunau, R. E. (2016). Higher cortisol is associated with poorer executive functioning in preschool children: The role of parenting stress, parent coping and quality of daycare. *Child Neuropsychology*, 22(7), 853-869.

23. Piccolo, L. D. R., Arteche, A. X., Fonseca, R. P., Grassi-Oliveira, R., &

Academic Achievement and Attainment: The Contribution of Early Academic Skills, Attention Difficulties, and Social Competence. *School Psychology Review*, 2016 DOI: 10.17105/SPR45-2.250-267

8. Barreto, F. B., de Miguel, M. S., Ibarluzea, J., Andiarena, A., & Arranz, E. (2017). Family context and cognitive development in early childhood: A longitudinal study. *Intelligence*, 65, 11-22.

9. Merz, E. C., Zucker, T. A., Landry, S. H., Williams, J. M., Assel, M., Taylor, H. B., ... & Eisenberg, N. (2015). Parenting predictors of cognitive skills and emotion knowledge in socioeconomically disadvantaged preschoolers. *Journal of Experimental Child Psychology*, 132, 14-31.

10. Huang, L., Wang, Z., Yao, Y., Shan, C., Wang, H., Zhu, M., ... & Zhao, X. (2015). Exploring the association between parental rearing styles and medical students' critical thinking disposition in China. *BMC medical education*, 15(1), 88

11. Martínez, I., Murgui, S., García, O. F., & García, F. (2019). Parenting in the digital era: Protective and risk parenting styles for traditional bullying and cyberbullying victimization. *Computers in Human Behavior*, 90, 84-92.

12. Baumrind D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11: 56-95.

13. Chemagos, M. J., Odongo, B. C., & Aloka, P. J. (2016). Influence of parenting style on involvement in the education of public preschool learners in Nandi Central Sub County, Nandi County, Kenya.

14. Pinquart, M. (2016). Associations of parenting styles and dimensions with academic achievement in children and adolescents: A meta-analysis. *Educational Psychology Review*, 28(3), 475-493.

15. Pinquart, M., & Kauser, R. (2018). Do the associations of parenting styles with

Gholamreza. (1391). Comparison of executive functions of students with math disorders with normal students. *Journal of New Cognitive Sciences*, 14 (3), 15-3.

Salles, J. F. (2016). Influence of family socioeconomic status on IQ, language, memory and executive functions of Brazilian children. *Psicologia: Reflexão e Crítica*, 29.

24. Holmes, C. J., Kim-Spoon, J., & Deater-Deckard, K. (2016). Linking executive function and peer problems from early childhood through middle adolescence. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 44(1), 31-42.

25. Conway, A., Waldfogel, J., & Wang, Y. (2019). Disparities in kindergarteners' executive functions at kindergarten entry: Relations with parenting and child care. *Early Childhood Research Quarterly*, 48, 267-283.

26. Ahmed, S. F., Tang, S., Waters, N. E., & Davis-Kean, P. (2018). Executive function and academic achievement: Longitudinal relations from early childhood to adolescence. *Journal of Educational Psychology*.

27. Baker, C. E., Kainz, K. L., & Reynolds, E. R. (2018). Family Poverty, Family Processes and Children's Preschool Achievement: Understanding the Unique Role of Fathers. *Journal of Child and Family Studies*, 27(4), 1242-1251.

28. Zarrella, I., Lonigro, A., Perrella, R., Caviglia, G., & Laghi, F. (2018). Social behaviour, socio-cognitive skills and attachment style in school-aged children: what is the relation with academic outcomes?. *Early Child Development and Care*, 188(10), 1442-1453.

29. Qamarigivi, Hussein; Narimani, Mohammad; And Mahmoudi, Hiva (1391). The effectiveness of cognitive development software on executive functions, response inhibition and working memory of children with dyslexia and attention deficit / hyperactivity disorder. *Journal of Learning Disabilities*, 1 (2), 115-98.

30. Soltani Kuhbanai, Sakineh; Alizadeh, Hamid; Hashemi, Janet and Sarami,